

۲۰ / ۱۳۸۱

ریاست محترم کمیسیون اصل ۹۰
مجلس شورای اسلام

با احترام

پیرو مذاکرات تلفنی (۱۹ / ۱۳۸۱) با آقای موسوی خوئینی و پیرو شکوائیه مورخه ۱۶ / ۱۳۸۱

که قبلاً تقدیم اعضای محترم کمیسیون شده است ، توجه آن مقام را به این نکته جلب می نماید

که اولاً اینجانب در مدت یک ماه بعد از ربودن یا بازداشت شوهرم بیایس کارمندان و

اعضای محترم دفتر خناب آقای کروبی ریاست مجلس را در جریان وضعیت مبهم ، پیچیده و

غضرائیگ محرم "سیامک پورزند" تلفنی قرار می دادم و شانزدهم در همین ماه ۱۳۸۴

به استناد و کالت رسمی که به آقای غلامعلی ریاحی وکیل دادگستری تفویض نمودم ، شکوائیه

خود را برای تقدیم به کمیسیون اصل ۹۰ در اختیار ایشان گذاشته ام و حال متوجه

شده ام نامبرده به هر دلیل که بر اینجانب روشن نیست اقدام به طرح آن نکرده اند .

وکالتنامه تاریخ ۶ / ۱۳۸۰ تنظیم شده و در همان تاریخ به شماره ک - ۱۰۸۱۱

در دفتر حفظ منافع جمهوری اسلامی ایران در وائسلس به ثبت رسیده و امضاء اینجانب

در همان دفتر تأیید شده است . پیوست این نامه وکالتنامه ، شکوائیه و خدیو برگ

از اسنادی که درباره موضوع است ناکس می شود . استنباط شخصی بنده که مدت

۳۱ سال با سیامک پورزند زندگی کرده ام این است که قصد و مقصد نهایی از طرح پرونده

روی ، تصفیه حساب با گروهی از فعالان فرهنگی است که در زمان شاه فعال بوده اند

و در دوران جمهوری اسلام، تحت هر شرایطی در ایران مانده اند و به فعالیت ادامه
 داده اند. من به خود اجازه می دهم به قید سوگند و در مقام کسی که ۳۱
 سال آگاه به همه جزئیات زندگی سیامک بودم بوده است، اظهارات
 منتسب به او را در خصوص اخذ دلار از آقای رضا پهلوی کذب اعلام کنم.
 به نظر می رسد هنگامی که برای اثبات اکاذیب منتشره در کیهان - جام و...،
 و مانده اند و نتوانسته اند اسناد یا شاکیان معبری درست کنند، لذا زیر
 فشارهای روانی و...، او را متقاعد کرده اند حداقل به اخذ دلار از آقای
 رضا پهلوی اعتراف کند. جالب آنکه چون سندی دال بر تادیب آن به فعالان
 فرهنگی و مطبوعاتی نداشته اند، به همین مانع شده اند که بگویند با پل یک دست
 آریمان در نیویورک خریداری کرده است.؟! این اظهارات از نوع جوک های
 سیاسی است. درحالی که با پهل فرار دلار در امریکا یک مترها نمی شود خریداری
 کرد. آنچه مسلم است فرستی از کاسیکه من خواسته اند با آنها تصفیه حساب
 تهیه نموده و تحت فشار آماریز نامصحیح و فاقد مشروعیت از سیامک اخذ نموده از علیه
 آنها برای کارسازی های بعدی. کصفاً اگر در برابر موانع موجود قادر به کشف
 حقیقت در مورد سیامک بودم ننشیدم، به خطراتی که با سود استفاده از این پروژه
 در راه است اندیشه کنید.

با تشکر
 ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۱

وکالتنامه عمومی

<p>مدارک لازم:</p> <p>۱- تکمیل فرم شماره یک و یک قطعه عکس جدید</p> <p>۲- اصل گذرنامه معتبر ایرانی، (در صورت عدم اعتبار گذرنامه نسبت به تعویض آن همزمان اقدام فرمائید.)</p> <p>۳- هزینه تأیید (به فهرست هزینه خدمات کنسولی فرم شماره ۶۰۰ ردیف ۱۴ رجوع فرمائید.)</p>	<p>در تنظیم وکالتنامه موارد ذیل باید رعایت شود:</p> <p>الف - قسمت ذیل باید بطور کامل توسط متقاضی تکمیل گردد.</p> <p>ب - امضاء روی این وکالتنامه باید با امضاء موجود در گذرنامه (صفحه ۸) مطابقت داشته باشد.</p> <p>ج - مورد وکالتنامه باید دقیقاً مشخص بوده و جنبه کلی نداشته باشد.</p> <p>د - وکالتنامه باید بدون خدشه (خط خوردگی و لاک گرفتگی) باشد.</p> <p>ه - وکالتنامه نیاز به تأیید امضاء محضری NOTARY PUBLIC ندارد.</p>
---	--

مشخصات موکل: (شخصی وکالت دهنده)

نام: میر انیس	نام خانوادگی: کارخیران سدهی	نام پدر: معصوم	شماره شناسنامه: ۳۵۴
تاریخ تولد: روز ۱۸ / ماه ۱۳۲۳	شماره و محل صدور گذرنامه: ب ۳۸۷۴۱۲۵ تهران	شغل: وکیل دادگستری	
آدرس در ایران: تهران شهر تهران	آدرس در آمریکا: Street 4400 East-West Highway	پلاک: کد پستی	
تلفن: ۸۷۳۳۸۷۹	City Bethesda	State Maryland	Zip Code 20814
TEL: (301) 951-5678			

مشخصات وکیل:

نام: آقای غلامعلی	نام خانوادگی: رایحی	نام پدر: ابراهیم	تاریخ تولد: روز / ماه / ۱۳۲۸
شماره و محل صدور شناسنامه: ۲۵ - دشتور	شغل: وکیل دادگستری	نسبت وکیل به موکل: اول مرتبه	
آدرس در ایران: شهر تهران	آدرس در آمریکا: خیابان میدان ۷ ترنخ نام مقام - اول مرتبه شمالی	پلاک: ۳۱۳۳۱	کد پستی: ۳۱۳۳۱
تلفن: ۰۹۱۱ - ۲۲۱۸۱۸۶			

مورد وکالت براساس مراجع قضایی، زندانیان، نیرود نظامی، دهر نهاد یا ترس دهری که وکیل محترم آنرا ضروری است تشخیص دهد حسب سبب و کراهت بر طبق ابهام یا ابهامات طرح شده علیه محترم آقای سید مرتضی در فرزند عبدالرسول و ملاقات با نامبرده و شناساد اخذ امضاء ذیل وکالتنامه وکیل بر طرف، ردیابی مکان بازداشت وی و کتب اطلاع از وضعیت جسمی و روحی نامبرده و شرایط بازداشت، با حق مراجع به دارگاه مربوطه، دفاع و در صورت لزوم طرح شکایت به مراجع قضایی با حق وکیل غیره

تاریخ: **روز ۶ / ماه ۱۰ / ۱۳۸۰**

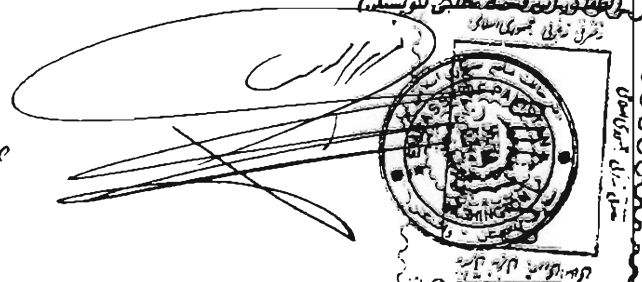
محل امضاء موکل: **میر انیس**

محل امضاء وکیل: **غلامعلی رایحی**

(در صورت طولانی بودن موضوع وکالتنامه از پشت این فرم استفاده شود.)

نزد گروهبانان موکل باید مطابق با امضاء مندرج در گذرنامه وی باشد، در غیر اینصورت وکالتنامه تأیید نمیکرد.

دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران - واشنگتن
تاریخ: ۶ - ۱۳۸۰ / ۱۱ / ۱۰ شماره: ک - ۱۰۸۱۱
صحت امضاء: میر انیس - کارخیران سدهی
شماره: ۲۵۲۳۴۴
ک در روی برگ باطل است (X) مشخص شده بدون ترجمه به مندرجات آن گواهی میشود و مسئولیت آن بر عهده امضاء و صادر کننده است.



همکار و دوست ارجمند

پسین ماه ۱۳۸۰

جناب آقای ریاضی

با سلام و درود

سپیدارم و پذیرفته‌اند به تکالیف از اینجانب، و معنی بسیار بسیار
و تا حدود معنی بسیار را می‌گیرند و می‌دانند. از خانم شکرگ و
خانم ارزانی به نقل از حضرتعالی شنیدم، بنور کشف اعلام امامان
رسیده‌اند و فواید مستقیم.

شبه یک متن شگفتی برای کیون ^{اصل} ماه ۹۰ تا ۹۲ مکرر است به ضمیمه تقدیم
است. ضمیمه متن را به دلیل نرسیدن به آنرا تغییر دهید و
به تکالیف از من با امضا و حذر آنان تقدیم کنید. ضمیمه
من از نظراً مشکل ندانست لطفاً به هر ترتیب در صلاح
مدانند آنرا است بفرمایند. گویا نظراً در بعضی خصوصیات
شگفتی مثبت است. در ضمن اگر توفیق بدانیم با
تلفظ مثبت فراهم کرد. البته کار است پس دستور

برای در آن مفاسد و حقایق طلبند و توفیق ارزو گنج.

ارجمند ^{بزرگوار} ^{با احترام} ۱۳۸۰

نامه لیلی و آزاده پورزند خطاب به ایرانیان

در یکی از شبهای پاییزی تهران، پدرمان "سیامک پورزند" توسط افرادی ناشناس، دستگیر یا ربوده شد. او پیرمردی 71 ساله است که بیش از 50 سال به فرهنگ مملکت خود عشق ورزیده و تلاش نموده تا خدمتی به مردم ایران کند. او روزنامه نگار و مطبوعاتی با سابقه ای است که نام او برای همه اهل قلم آشناست.

او پدري مهربان و دوستي بي نظير است. دوستان و آشنایان دور و نزدیک همگی به پاکي و صداقت و صفای او اذعان دارند. همگی از حادثه دستگیری و یا ربوده شدن او متعجب و حیران هستند. چند ده روز اول، ما نیز مانند همه عزیزان دیگر تصور میکردیم اشتباهی رخ داده و به زودی دوباره او را در کنار خود خواهیم یافت. افسوس که روزها و شبهای متوالی گذشته و هفته ها به ماهها تبدیل شده و اکنون پس از چهار ماه، تنها صدایی لرزان از آن وجود معصوم به گوش ما رسیده است.

پس از ماه ها، در صفحه حوادث روزنامه ایران، خبر از جلسات علنی دادگاه او میخوانیم! ... و میشنویم که خبرنگار روزنامه در راهروی دادگاه با او مصاحبه مطبوعاتی کرده است! از خبرگزاریها میشنویم که او اعتراف به گناهیانی کرده که بعضا مجازات آنها اعدام است.

پس از چهار ماه به او اجازه داده اند با ما تماس تلفنی بگیرد. دلیل این مجوز، دلندگی او یا مهربانی زندانبان نبوده، بلکه او پیام دیکته شده ای داشته که باید به گوش ما، در این سر دنیا میرسانده است.

پیام او، جملات کوتاه و مقطع و از پیش تعیین شده ای بود. ساعت 7 صبح دوشنبه 11 مارچ 2002 دستگاه تلفن دستی (لیلی) صدای نازنین او را ضبط کرده و دقیقی بعد دستگاه تلفن (آزاده) همان صدا را به حافظه سپرده است. تنها چند دقیقه بعد، خواهر 78 ساله او "مهین پورزند" هم پیامی جهت تأکید بر گفته های برادر در بندش، برای آزاده گذاشته است.

صدایی لرزان و خسته و ملتمس .

صدای آشنای پدرمان "سیامک پورزند" بود ولی آهنگ صدای او غریبه بود. از مهر و عطف در آن خبری نبود. صحبتی از امید و آرزو نکرده بود. او تنها کلمات تأکیدی را به طور مکرر و بیپای به کار برده بود. آتقدر تأکید کرده بود که مفاهیم جملات در هم پیچیده و عجیب مینمود.

ما در پاسخ به صدای عزیز پدر خوبمان میگوییم:

پدر، ما برای نخستین بار، خوشحالیم که نتوانستیم پاسخگوی تماس تو باشیم. ما خوشحالیم که صدای عزیز تو را بر روی نوار پیام گیرهایمان داریم. ما خوشحالیم که میتوانیم هزاران بار نوار را از ابتدا برگردانیم و تو دوباره با ما حرف بزنی و نه تنها ما بلکه همه میتوانند صدایت را بشنوند.

پدر، ما دخترانت برای نخستین بار میخواهیم حرفت را به گوش بگیریم. ما را بیخس. عمل به تقاضاهای مکرر تو برای ما مقدور نیست.

پدر! تو را در تاریکی شب میرایند، پس از چهار ماه تو را به پای میز محاکمه نامعلومی میکشانند و وانمود میکنند تو را از طرق قانونی به عنوان متهم دستگیر کرده اند. تو را ماه ها در سلول انفرادی در بازداشتگاهی ناشناس زیر شکنجه روحی و جسمی نگه داشته اند. تو را روزی هزار بار مرعوب و هراسان کرده اند. به تو، توهین و هتاک کرده اند و شخصیت محترمت را متزلزل نموده اند. تو را وادار کرده اند به هر آنچه، آنها میخواهند و تو انجام نداده ای، اقرار کنی. تو را مجبور به گناهان ناکرده نموده اند. برای دفاع از این اتهامات کاذب، باید وکیل تعیینی آنها را به وکیل تعیینی خانواده ات، ترجیح دهی. تو معصومانه پشت میز متهم! در دادگاه می ایستی و از گناهان ناکرده ات، دفاع میکنی و در نهایت باید پیام آمرانه ای را به گوش ما برسانی و از ما بخواهی درباره تو و معصومیت تو کلامی، سخن نگوئیم ...

پدر عزیز! سیامک پورزند! به یاد داری، همواره ناصحانه ما را سرزنش میکردی و میگفتی: "واقعیت را باید بیان کرد حتی اگر دیگران آن را دوست ندارند." تو میگفتی: "دردتان را در دل نگاه ندارید، حرف بزنید."

امروز ما، داستان معصومیت تو را میگوییم و نمیتوانیم اجازه دهیم بیش از این در کنج انزوای مظلومیت کز کنی، حتی اگر کسانی شنیدن و تکرار این قصه واقعی را دوست نداشته باشند.

پدر، سیامک پورزند، تو همواره در کنار ما هستی و همه دوستان و دوستداران تو مشتاقانه در انتظار دیدن روی نازنین تو و شنیدن صدای عزیز تو هستند.

سال نو بر تو و همه بی گناهان در بند مبارک باد!

دخترانت

لیلی و آزاده

متن پیام تلفنی سیامک پورزند به دخترش لیلی در کانادا
جمعه 17 اسفند 1380 (8 مارچ 2002) بعدازظهر به وقت تهران پس از برگزاری
دومین جلسه دادگاه

لیلی جان متأسفم نیستی. شماره موبایل تو را از عمه ات گرفتم. خواهش میکنم از مصاحبه کردن به کلی به کلی خودداری کنی. به کلی به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی. شما موقعیت مرا نمیدانید. لطف کنید بی زحمت به هیچ عنوان خودتان، مهرانگیز با هیچ کسی. نمیدانیم. ما هم خبر نداریم. من وکیل دارم. وکیل هم الان روبروی من نشسته. ما آقای ریاحی را که مهرانگیز معرفی کرده عذر خواستم از ایشان. متأسفم که نیستی باهاش حرف بزنم ... خداحافظ

متن کامل پیام سیامک پورزند به دختر کوچکش آزاده در آمریکا
جمعه 17 اسفند 1380 (8 مارچ 2002) بعدازظهر به وقت تهران پس از برگزاری
دومین جلسه دادگاه

مهرانگیز خانم. سلام علیکم. لطف کن بی زحمت با هیچکس ... آقای ریاحی را که معرفی کردی من عذر خواستم برای اینکه خودم وکیل دارم. آقای دریابیگی که دادگاه معرفی کرده اند. خواهش میکنم خانم بفرمایید هم خودتان و هم بچه ها با کسی صحبتی نکنند. خواهش میکنم. لیلی پیام گیر ... به لیلی هم زنگ زدم متأسفانه نبود. بنابراین امیدوار هستم ... که به خواهرم هم زنگ زدم گفتم. فعلا خداحافظ
(در اینجا سیامک پورزند با کسی دیگر صحبت میکند و میگوید خواهر من را بگیرد که بهش بگم که نبود)

متن پیام خواهر سیامک پورزند به آزاده پورزند در آمریکا
آزاده جان عزیزم. قربون اون سرت من برم ایشالله. الهی فدات بشم من. عزیزم متأسفانه تلفن زدم خونه نیستی. میخواستم بهت بگم ازتون خواهش میکنم تو حتما حتما به لیلی هم زنگ بزن و عزیزم هیچی خواهش میکنم. به مامانت هم بگو. يك كلمه حرف، يك كلمه اصلا هرکي بهتون زنگ زد هر کسي باهاتون تماس گرفت فقط بگین ما هیچی نمیدونیم. هیچ خبری نداریم. چون شماها واقعا خبری ندارید. بنابراین اصلا حرف نزنید باهاشون. هر کي تماس گرفت باهاتون عکس العملش خوب نیست. فدای تو بشم ایشالله. خواهش میکنم ازتون. هیچ کدومتون هیچ اظهار عقیده ای، اظهار نظر، چیزی اصلا نکنید. سوال پرسش اصلا هرچی هم پرسیدند بگین ما نمیدانیم. تماس کنید اصلا. اصلا بگذارید تموم شه برای همه اینهایی که هستن تموم بشه. تا ایشالله این جریان عادی خودش را طی کنه و تموم شه بره پی کارش. اینطوری بدتر میشه. قربون سرت برم ایشالله. این را یادت نره بگو به همشون. خواهش میکنم ازت تلفن کن به لیلی به مادرت بگو بهشون که آروم باشید. به خورده آروم باشید بزارید جریان روزگار خودش رو بگذرونه تموم بشه بره پی کارش. قربونت برم من. خداحافظ

رئیس مجلس خبرگان:

مردم قدرت تشخیص و حق انتخاب رهبر را ندارند

آیت الله مشکینی، رئیس مجلس خبرگان در آغاز هفتمین اجلاس این مجلس در سخنانی از جمله به امور بین المللی مانند انتفاضه فلسطینیها علیه اسرائیل و نقش آمریکا در افغانستان پرداخت.
رئیس مجلس خبرگان در امور داخلی به تشریح حدود و ثغور اختیارات مردم ایران در امور مملکتی، از جمله تعیین رهبر اشاره و صریحا اعلام کرد که رهبر یا ولی فقیه انتخاب الهی است و بشر حق انتخاب در این مورد را ندارد.

مشکینی در ابتدای سخنرانی خود گفت که در ایران همه اختیارات در دست ملت است و مردم دارای اختیار تام در تمام امور کشورند و خدا هم برای همه کارها به بشر اختیار داده است. اما خدا تنها مواردی را مستثنی کرده و انتخاب رهبر یکی از آنان است.
از موارد دیگری که به گفته مشکینی خدا اختیار بشر را محدود کرده انتخاب دین، نبی و واجبات است.

پهن ۶۰۰ ۱۳۸۰

ریاست محترم کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی

با احترام معروض می‌دارد :

اینجانب مدافع کار وکیل دادگستری، نویسنده و روزنامه‌نویس حدود شش ماه است برای
 معالجه بارس سرطان خارج از کشور به سر می‌برم. سه ماه پیش مطلع شدم همسر من سید
 پورزند ۷۰ ساله مقیم تهران، مدیر اجرایی مجله فرهنگی هنری تهران ساعت ۹ شب
 سوم آذرماه ۱۳۸۰ هنگام رفتن دست در خانه خداحوشی همین پورزند واقع در
 خیابان عباس آباد، ضلع بن، گستان، کوه چهارم پلاک ۲۱ بدوته می‌کرده در محاصره و
 اسارت فرد یا افرادی قرار گرفته و در پی او اجازه نداشت به خانه بازگردد و
 وضعیت خود را اعلام کند. البته از او خواسته بودند تا با استفاده از FF از
 خداحوش نبوده کلمه در خانه مشترک ما، همچنین سوییچ اتومبیل، کفش و کیف او
 را تحویل بدهد. سیاق که به یقین در موقعیت فاطمه کمندی قرار داشته و از هرگونه
 فرصت ماندنی محروم بوده است، چنین کرده و اسباب مزبور را در کنار باغچه
 و ساحتها خانه در حالیکه فرد یا افرادی از میان در یا روی دیوار ناپدید

برده اند تحویل گرفته - بی آنکه کلمه ای سخن بگویند از در خارج شده است .

طبق اطلاعات بدست آمده ، افراد نامشخصی که گویا در جمع آنها زنی هم حضور داشته ،

نامبرده را به خانه مشترک مادرش در ضلعین قسم ضلعین پاکستان پلاک ۱۶

طبقه دوم می برند . محتمل از خانه بازرسی کرده و اشیای را با خود برده اند . در

حال حاضر شاهدی بر نحوه بازرسی در ضلعین نیست تا قوه بسود . همین قدر مطلع شمام

Case کامیونر فرزند انهم را برده اند . علاوه بر کلمه خانه مشترک که به موجب اجاره نامه

رسمی خانه ارسات اجاره ای و کفین بنده متاجر قسم تاکنون که سه ماه از

ماجرای گذرد معلوم نیست بر پایه کدام مجوز قانونی در ضلعین ارسات . همین سوییچ

اتدبیل گالات سومم که کتافان فاضل پارتی است در ضلعین ارسات

این توضیح را لازم دانستم که پس از واقعه ، از دو هفته قبل ، سومم تلفتی به من و

فرزندانش (لیلی پورزنه دانشجو دانشگاه پیرک کاناوا) و (آزاره پورزنه در سن آنروز

دبیرستان B.C.C در وننگلر) به کرات مکتب گانی او را با موثر سلطت

واتدبیل تعقیب می کنند . در آن وضعیت نامبرده مراتب را به وزارت اطلاعات

و افرادی که در جریان عملیات فعالیت فرزند او بوده اند بارها گزارش داده بود .

اسامی اعلام شده این افراد عبارت است از آقایان مصطفی متحوق و جلال صالحی
 سیامک امید و ولد بوده است این افراد او را یارر دهند. مخصوصاً که جزو خبر و فعالیت^{ها}
 او را طی سالهای بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ همواره تحت نظر داشتند. شبی هم که سیامک
 ضمن بدرقه دوستی ناپدید شد، این دوست همان آقای مصطفی متحوق بود که
 برای دیدار با سیامک و احیاناً شنیدن مسائل مرتبط با تعقیب او شبانه روزی
 ساعاتی را در خانه خواهر سیامک سپری کرده بود. تا قبل از آنکه گاهی در
 تقابل با وزارت اطلاعات اطراف خانه گمین کرده بودند تا بعد از بدرقه آن
 دوست برنامه خود را اجرا کنند. اینک از اداره امکان در شماره منابع
 غیر رسمی خبر داده اند سیامک توسط نمایندگان مرتبط با آن ربوده شده است
 در جبر نهادی مولای یار می کنند که مجری یک سلسله احضار و حلب و
 ارباب شده است. متأسفانه سیامک پوزنی نخستین قربانی این توطئه شده که
 علیه فعالان فرهنگی در جریان است می باشد و مجریان مدت سه ماه به
 سهولت توانسته اند به دوران نظارت هار قاندنی، هنر بازجویی کار
 خاص، به سلیقه و خدولت خود همه گونه آثار کذب از او اخذ کنند.

انہی مدت سے ماہ است سیاتک دور از هر دوغ نظارت ماندی، محروم از کلمه
 حقیقہ انسانی خود، روزگار مشقت باری را مرا گذران و چون کلمه و نہایت
 و مارک خطرناک فعال در زمان شاه برقبای او چسبیده است، هیچ کس در
 آن بیدارگاہ بہ داد او نرسیدہ و تا میں از احضار تنی عند از در فعالان
 فرہنگ، هیچ کس از آقا،ین و نهارها ہم و نعم آن را ندانستند کہ :

ادارہ امکان چه کاره است و تا چه اندازہ
 مجاز بہ تجاوز بہ حریم حقوق انسانی افراد
 میباشد ؟ چرا کلمه خانہ من در جیب
 کسی است کہ هیچ کس آنها را نمی شناسد ؟

باری، خوشحالیہ حال کہ آب از سر سیاتک ۷۰ سالہ و مخلص اصلاحت گذشتہ است،
 بہ کف تدبیر برداشته اند . همین حد از تدبیر ہم مایہ خوشحالی است ہر چند
 از آلام نمانداری در دمندی کہ درہ است زیر ذرہ بین شبکہ ہا مقل ہا
 زنجیرہ ای و بازداشت و . . . بہ سر می برند چیزی نمی گاہد .

سیاتک ، لندن تحت فشار دہ داخلی (اقبال از سور ہادریت ہجرت) فشار ہا
 خارجہ، دوبار در محل ادارہ امکان واقعہ در ضیاء بن مہدی دیدار داشته است و
ذات الاموالہ و موعوب در لندن اوراد بدرستی تہ رابطہ ملامت کرده است .

اولین ملاقات دوشنبه ۲۴ دیماه ۱۳۸۰ یعنی ۵۲ روز بعد از ناپدید شدن انجام شده. در محل اداره اکلن با حضور یک مأمور لباس کفی فقط به مدت ۱۰ دقیقه. در این دیدار سیگت در بدترین وضعیت روانی و جسمی مشاهده شده است. بسیار مرعوب و ترسیده و بریده و شکسته. با مودک بلبند و روش نامرستند در نهایت استقبال. تازه این در شرایطی بوده که سیگت را برای دیدار آماده نموده و کوشش کرده بودند آثار تصویفها و شکستها را از او بزدایند.

دومین ملاقات یکشنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۸۰ در محل اداره اکلن انجام شده. حدود نیم ساعت. در حضور دو مأمور لباس کفی که از نام دقایق این دیدار فیلمبرداری کرده اند. در جریان این دیدار سیگت در وضعیت تهری قرار داشته که به نظر میرسد بر اثر تپش یک سله فلکهای ویدیویی موقوف به تغذیه او مبتدیان نتوان داده اند. در این دیدار سیگت با بعضی فروخورده آنچه را به او القا شده بوده بر زبان جاری ساخته است. در دیدار نهم به خواهش مکتوبه: خواهر سکت باش. عمری با آبروزنگی

کرده ایم. آبروی ما را می خواهند بربزنند.

در دو متن دیدار گفته : به همسرم بگویند به فکر بیماری خودش باشد و فکر کند من

ضمیمه بی عفت زده ام کسی را که تمام و افتاده ام تر سوراخ !

اعضای محترم کمیسیون اصل ۹۰ از عدم شما اجازه می خواهم شگفتی خود را از

آنکه دیدار سیبک با خواهرش فیلمبرداری شده ابراز دارم و از آن جمع

آگاه و آشنا به متون دینی سوال کنم :

آیا استفاده از آنها از حقوق طبیعی شان

مرحمت است که وقتی مانند سکنان کت

فسار قرار می گیرند و مجبور می شوند مرصیات

دیدار اسیر را با خانواده اش و اهل خانواده

شرعاً حقوق دارند در پی تبلیغ این مرحمت

و کرامت برآیند ؟

بگذریم که قصه غصه ما از این مرزها گذشته و طح بر پیش کفک از باب

تکین خاطر است ، نه درمان درد !

همین اجازه می خواهم بگویم شوهرم سیبک پورزند " اسیر " است ،

نه پزندانی " . حیرت من دشوارم در وصفیت موجود بی آنکه بدانیم

به اسارت گرفته شده ایم . با این حال ما دانیم در همان امروز حتی اسیر « دارا »
 حقوقش است . بر پایه این حقوق است که از شما می خواهیم :

- ۱- نحوه تکلیف پرورنده علیه سوهم سیاک پورزند را بررسی فرمائید .
- کمیته برگ اول پرورنده ، هر قدر سنگین باشد نکات راروشن سازد .
- توضیحاتی ابتدا در محل کار هم شنیده شد خانم محترم که در آن
 محل می نعل برده و هست در دوندت به اداره امکان برده شده .
- یکبار متفحصی که از داروخانه ای خارج می شده و یکبار در جابری
- بنقل از اروزان : به ضرب تهدید و ضرب و شتم از او فرستاده
- علیه سیاک پورزند اورا می را ندخته و امضا کند . از جمله :

روابط نامزدی را !

این زن مدتی به مفا سوک وارده در بیستان تبره بوده و بعد خود را
 مخفی کرده است . اما گویا چند روز بعد از رسیدن سیاک ، تقاضای
 دانسته اند همه گونه آقا در کذب را زیر فشار و شکنجه از کفش می اخذ
 کنند ، گشتی بان راسیاستی دیگر افتاده . دیگر بار سراج زن رفته اند .

به اور همند داره اند تا آنکه رایش ترغفه انکار کند و با کمال قدرت سرکار خود
حاضر نبود. که البته چنین کرده است و با اعتماد به نفس کامل به زندگی
طبیعی خود ادامه دهد. فعلاً از اعلام نام ایشان برای حفظ حرمت
خود در این مرسوم. در صورت لزوم نام و نشان را در اختیار میگذاریم.

۲- بر پایه کدام حکایت واقعی یا ساختگی و بر پایه کدام حکم قضایی از کدام
مراجع او را بازداشت کرده اند؟ البته اگر مریض مصداق بازداشت
قانونی را داشته باشد.

۳- به فرض که همه امور قانونی انجام شده باشد، چرا کلیه خانواده متراک
و وسیع اتومبیل را به خواهرش مسترد ننموده اند؟

۴- ابتدا سیاه یک را کجا برده اند؟ تحت چه شرایطی قراردادها را به
حکومت از او بازخواست کرده اند و آثار کذب علیه خودش و دیگران
اخذ نموده اند؟ تجربه دهد به بخشی از این آثار که در مصدق
خاص است ریافته از جمله اخذ مبلغ چهار میلیارد دلار از خبرج و
تذییع آن بین اصلاح طلبان روزنامه نگار؟ یا سایر آثار؟

اکاذیب منتشره در جراید آقاری به من و فرزندانش اجازت می دهد تا یقین حاصل

کنیم زیرف شکیب در روان و جسمی همین اظهاراتی داشته است . ما

اساً در خیال کسی که او را روبرو آنه و بر حسب رفتار که در سطح

آمران اعمال شده است دیدانه شده است . اگر بخشی از آقاری که در

مطبوعات راست است این ریاضه به خط و امضا بسیار یک باشد ، آنقدر

دور از واقعیت است که برای آن انگیزه ای جز فرار از شکنجه بهوشان

شده است . البته اعمال دیدانه شدن را بر آن می افزایم .

۵- مرتفعاً از آنکه اداره امکان بر حسب وظایف قاضی ، فاقد افضای رات لازم

برای بازداشت ، شکنجه ، بازجو و ... ، ما ، بس ، اساً این نکته

روشن است که پرونده بسیار روند قاضی را پیچیده است . هرگاه

پیچیده بود ، تا دوران دوران قسیم ، دزدانه و مخفیانه او را نمی روبروند و

و بلافاصله بعد از ۵۲ روز زیرف را در داخلی و خارجی مجبور نمی شده اند او را

در زندان با بی نهایت مطالب جسمی و روانی با خواهرش روبرو کنند . در حالیکه

بی پروایی در سطح مافوق لباس کشی به خواهرش ، کید می شده تا آرام

بگیرد. زیاده حرف نزنند و کاری نکنند. این اولین و آخرین دیدار با برادر است.
 از طرف دیگر هرگاه همه چیز در چارچوب قانون صورت گرفته بود چرا تاکنون
 به تقاضای مکرر کیسویان حقوق برابر اسلام که فرزند خلف بود. قضایه
 است و قهر نمی نهند و حتی به آنها اجازه نمی دهند یک فرزندان را
 به محل نهداری اش اعزام کنند. آیات کتب اطلاح از وضعیت یک
 زندانی آن هم توسط کیسویان حقوق برابر اسلام و عموم فعالان
 آن فکلیت نظام برابر اسلام هستند آنقدر خطرناک است که به آن
 تن نهاده اند؟

اینجا ب و فرزندان تاکنون پس از ده بار با این کیسویان مکاتبه و
 تماس تلفنی داشته ایم. با آقای ضیائی فر و سرکار خانم طه.
 نتیجه صفر بوده است.

۶- هرچند از سه ماه هنوز رسماً اعلام نشده سیاحت تحت نظر
 کدام مرجع قضایی است و در کدام محل نهداری می شود؟
 ۷- چرا طی دو بار ملاقات با خداهر اجازه نداشته است

از حقوق قاضی خود در جاییه متهم کلمه این بر زبان جابر سازد و مثلاً از
خانداره بخواهد برایش وکیل بگیرد ؟

۸- چنانچه خواهش را با اندرز و تهدید از تفویض وکالت ترسانده اند ؟

چنانچه بخواهم سوالی را لازم دیگر را اصلاح کنم وقت آن حضرات
تفصیح میسازد . نصدص در دادگاه تحت چه شرایطی دستور
کار می کنند و در مواردی حتی برابر احقاق حق خود نفیوان کمیون
اصل ۹۰ گرفتار انداع مانع ترستی که می شوید . با این حال وضعیت
خاندارگی ما ضایع آن سفینه شده که راه جز شکایت به آن یکین
مقتور نبود . هر چند ما در این کار از این حرفها لذت است .

لزوماً تمام ما در هم چون فله بی علت . جابر در کشور هستیم ، همکار محترم
جناب جابر غلامعلی ریاحی وکیل پایه یک دادگستری مراتب را وفق وکالتنامه
در از من دریافت کرده اند و به گیر ما فرمایند . در صورت لزوم خواهد
سایک بدو ارائه به تلفن ۸۷۳۴۶۱۴ میسازد ، به کمک برخی پیش از

لازم نبود.

موقعی را مقسم سمره از آقا این و خانمها عرض میکنم و مخبرین و همکاران
مترجم آنها که جان و کوششها را گدشته باشند تا گدشته باشند در برابر حق و مانند
را به شنیدن این حکمت مانند من کنند سپاسگذارم و برایشان
توفیق آرزو میکنم.

سیدک پیروزند فتوا یکی از بسیار و با این نقص مانند در این کورا
تا زمانیکه آمران این قبیل ما را هر تکراری که در تدارک سیدک
حذف فعالیتان و فضی گام بر می دارند و امریه صادر می کنند
و معرض و محاکمه نموند، محمود فعالان و فضی و سبک در داخل
و خارج کور در معرض قتل و هدم و حذف و سلب حسیت
مرا در دارند. امید واری برای پایه منطقی است که آمران
بر کرسی اتهام نیندند، نه مأموران و محمولات ...

تلفن ۹۵۱-۳۰۱-۰۱
5678

مهندس کار

انشاء الله

روشنی: نهاد ریاست جمهوری، خیابان آملی ایلچی معارف مترجم حقوقی ریاست

TRANSMISSION VERIFICATION REPORT

TIME : 04/09/2002 13:03

DATE, TIME
FAX NO./NAME
DURATION
PAGE(S)
RESULT
MODE

04/09 12:51
01198213121108
00:12:18
21
OK
STANDARD

469602